

درگذشت منوچهر دلربا،

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد و شعر منصور اسالو

سندیکای کارگران واحد

هجدهم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بی کارگر کارو جهان ویران است بی بزرگران خلق جهان بی نان است
گویند که از خداست آبادی و نان زین روی خدا کارگر و دهقان است

کارگری زحمتکش ، انسانی شریف و يك سندیکائی تمام عیار بنام «منوچهر دلربا» دل را از ما ربود و رفت.

او کارگری آگاه بود از زمان تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد، به سندیکا ی خود پیوست و با تمام شور و عشق در راه اهداف سندیکا تلاش کرد. او در مراسم روز کارگر سال ۱۳۸۰ در میدان بهارستان به همراه دیگر کارگران و همکارانش جانانه حضور یافت و تا جلوی مجلس صف کارگران راهمراهی کرد، در برابر نیروهای زورگوايستاد و درس شهامت و کارگری داد. در زمان یورش به سندیکا در زمستان ۱۳۸۴ همکاران و یاران سندیکائی خود را رها نکرد، باز هم به وظایف سندیکائیش عمل کرد. آخرین تلاش او روزی بود که اعضای در حال تعلیق سندیکا در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۵ برای دریافت ۵۰٪ حقوق معوقه ایام تعلیق به جلوی شرکت واحد آمده بودند، از شوق به آنها پیوست و تا بعد از ظهر در کنار آنها بود تا چکهای خود را گرفتند ، همان روز هرچه در جیب داشت برای خرید محل سندیکا بی ریا و بی دریغ اهدا نمود. او کارگری شاد و خندان، مسئول و به سهم خود يك سندیکائی تمام عیار بود.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۸۶/۲/۱۸

مراسم بزرگداشت سوم و هفتم آن کارگر سندیکائی:

روز پنجشنبه ۱۳۸۶/۲/۲۰ مکان : خیابان میرداماد، میدان محسنی مسجد الغدير

«تقدیم به دوست و کارگر سندیکائی» «منوچهر دلربا»

ز غصه پشت غم شکست	بهار زد و خزان نشست
به حضور در محفلی	دلش بسان بلبلی شاد
سرود سندیکا به شب	همیشه خنده داشت به لب
نشد رها از این نبرد	نه غصه و نه مرگ و درد
به باغ ما نوری دمید	شب‌ی شکست روزی رسید
ز چهره ات به روبرو	گرفته بود دلم سبو
سرت شکسته شد شکنج	اگر به زیر چرخ رنج
که زندگی همیشگی ست	دلت سرود عاشقی است
سرود غم رها شود	ز خون توبه پا شود
همه جهان صدا شود	چو کارگر به پا شود
امید راهیان شعر	صدای عاشقان عشق
که این چنین رها شده	صدای اتحاد ماست
شکر به راه ما شده	غم نبودن تو هم
ای کارگر ای همزبان	ای «دلربا»ی عاشقان
درود به تو به راهمان	منوچهر پر از ایمان
رها ز ظلم و جور شدیم	همه به یاد تو شدیم
به سندیکا پا ینده ای	نمرده ای تو زنده ای
جاری شده در این زمون	روح بزرگ تو کنون

«منصور اسالو»

۱۳۸۶/۲/۱۸